

قتل زهرا کاظمی

بازگشت به دهه شصت؟

ماجرای قتل زهرا کاظمی از همان آغاز مثل روز روشن بود. دستور از بالا برای «ختم غائله» قبل از ۱۸ تیر صادر شده بود و عاملان این «ختم» در زندان اوین در ادامه مأموریت شان دندانان را به طعمه جدیدی گیر داده بودند که اگر نقشه پیش می رفت، الان ده ها جاسوس و نیمه جاسوس از لابیای سفارشات «بازجویان عزیز» برای «اعتراف» بیرون ریخته بود و بار دیگر توطئه ای بزرگ علیه حکومت مقدس در نطفه خفه شده بود. منتها «سوژه» آقایان «جواب» نداد و به جای ترسیدن و طلب عفو از درگاه رهبر و .. ایستاد و حتی دوربین عکاسی اش را هم به دست جلادانش نسپرد. زهرا کاظمی تسلیم نقشه مرتضوی و فرماندهان مرتضوی نشد و در همان شب اول به زیر شکنجه رفت و در عرض چند روزی که در زندان بود، بارها به دست بازجویان ارگان های مختلف از دادستانی و وزارت اطلاعات و نیروهای انتظامی مورد بازجویی قرار گرفت و دست آخر نیمه جان و در حال مرگ به بیمارستان سپاه برده شد.

دادستانی تهران معاون مطبوعاتی وزارت ارشاد را مجبور کرد که به دروغ اعلام کند که زهرا کاظمی سکنه مغزی کرده است. هیچ کس حاضر به پذیرش این دروغ نبود. حتی معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد هم مجبور شد بگوید که تحت چه شرایطی چنین مصاحبه ای به او دیکته شده است. انگشت ها همه به سوی بازجوی زهرا کاظمی دادستان «محبوب» رهبر حکومت اسلامی سعید مرتضوی نشانه رفت. دولت کانادا که زهرا کاظمی تبعه آن کشور بود، خواستار استرداد جسد زهرا کاظمی و روشن شدن ماجرای قتل او در زندان و علت دستگیری او شد. مساله از مرزهای کشور فراتر رفت و خانواده مقتول نیز به استرداد جسد رضایت داد. رئیس جمهور خاتمی طبق معمول کمیته ای از سه وزیر تشکیل داد که چگونگی قتل زهرا کاظمی را روشن کنند. آن ها سکنه مغزی را نتوانستند اثبات کنند، اما تلاش کردند که جای علت و معلول را وارونه سازند. اعلام کردند که ضربه مغزی زهرا کاظمی بر اثر خوردن سر او به یک «جسم سخت» حادث شده است. به عبارت دیگر این جسم سخت نبوده که بر سر زهرا کاظمی زده شده است، این سر زهرا کاظمی بوده است که بر جسم سخت خورده است. جدا از این، زهرا کاظمی با دیدن بازجویانش به آن ها «پرخاش» می کرده است. سه وزیر کابینه اگرچه قادر نبودند که حقایق مربوط به قتل زهرا کاظمی را کتمان کنند، اما تمام تلاششان را به کار گرفتند که ضمن اعتراف به این حقایق قاتل زهرا کاظمی را در هاله ای از ابهام میان رابطه سر زهرا کاظمی با جسم سخت، پنهان نمایند. به تعاقب همین خدمات دولت هم بود که رئیس قوه قضائیه طی حکمی تحقیق در باره پرونده قتل زهرا کاظمی را به دست قاتلین او سپرد.

قتل زهرا کاظمی نه تنها یکی از حوادث مهم ماه های اخیر بود، بلکه تکانه‌دهنده ترین آن ها بود. نیروهای سرکوب حکومتی با استقرار یک حکومت نظامی اعلام نشده به بهانه پیشگیری از حوادث نامترقبه در ۱۸ تیرماه، به بهانه تظاهرات دانشجویی در سراسر ایران، هزاران نفر را بازداشت و به زیر بازجویی بردند. حریم دانشگاه را به عرصه جولان اوباش چماقدار تبدیل کردند. به خوابگاه های دانشجویی حمله بردند. فعالین جنبش دانشجویی را ربودند و به زیر شکنجه بردند. تلاش نمودند نشان دهند که هنوز بر اوضاع مسلط اند و می توانند بگیرند و ببندند و بکشند و کسی را هم یاری نفس کشیدن نباشد. آن ها باز هم تلاش کردند برای تکمیل این نمایش قدرت، شوهای تلویزیونی از قربانیان شکنجه گاه های خود را به نمایش بگذارند و با قرار دادن عکس سخنگوی سابق مجلس اعلی انقلاب اسلامی عراق و سردرسته شکنجه گران قوه قضائیه حکومت اسلامی شاهرودی در کنار خمینی و جانشین او خامنه ای نشان دهند که اداره کنندگان اتاق های شکنجه در اوین، رهبر آینده خود را از همین امروز انتخاب کرده اند. آن ها خواب بازگشت به روزهای سپاه دهه شصت را در سر می پروراندند که روزانه ده ها و صد ها نفر را در سراسر ایران به جوخه اعدام می سپردند و پاسخگوی هیچ کس هم نبودند. بیهوده نیست که هاشمی رفسنجانی هر جا که فرصتی می یابد اوضاع فعلی را با اوضاع سال شصت مقایسه می کند و آرزوی بازگشت به سال شصت را به شیوه خودش بر زبان می آورد و مرتضوی ادای لاجوردی را در می آورد. عمده حکومت در اوین بارها خواسته اند که به این رویای امثال رفسنجانی جامه عمل بپوشانند، ولی هر بار سرشان در همان گام اول به سنگ خورده است و مجبور به عقب نشینی شده اند. جامعه ما از سال شصت فاصله نجومی گرفته است، حتی اگر حکومت اسلامی هم در رویای آن سال ها باشد، آرزوی بازگشت به روزهای سپاه دهه شصت را به کور خواهد برد.

اصلاح طلبان حکومتی در این میان، بازهم از رشد و نمو «غده سرطانی» عوامل قتل های زنجیره ای این بار در ارگان های موازی خیر داده اند. حتی برخی از آن ها آدرس هم داده اند که زندان ۵۹ سپاه در اوین زیر نظر کسی اداره می شود که از عوامل قتل های زنجیره ای بوده است و از وزارت اطلاعات کنار گذاشته شده است. ولی آن ها فراموش می کنند که تمامی بازداشت های سال های اخیر و بازجویی ها و شکنجه هایی که اعمال شده است، در همین زندان و زندان های مشابه آن و توسط همین عواملی صورت گرفته است که جزو غده سرطانی هستند و تحت فرمان مستقیم کسی هستند که در راس حکومت نشسته است و بر بازداشت ها و محاکمات و شکنجه ها نظارت دائم دارد. آیا این آقایان نباید از خودشان سوال کنند که این غده سرطانی کسی جز همین رکن اصلی حکومت اسلامی و نه پادو ها و عوامل اجرائی او نیست؟

کشتن نویسندگان، ترور مخالفان، شکنجه زندانیان و پرونده سازی های جعلی در جمهوری اسلامی امر جدیدی نیست. این حکومت فقط حکومت این قبیل سیاست هاست و نه چیز دیگری. زندان ۵۹ و زندان های نظیر

آن استثنا نیستند، قاعده این حکومت اند، فقط کسانی که در توهم خود از این باتلاق و لجنزار یک بهشت موهوم تصویر می کنند، می توانند در این خواب و خیال باشند که می شود جمهوری اسلامی داشت که بدون زندان ۵۹ و قاتلانی مثل سعید امامی و امثال او باشد. قتل زهرا کاظمی و بازداشت بدون دلیل و برهان ملی - مذهبی ها و ربودن فعالین جنبش دانشجویی دلیل این مدعاست و جامعه امن و بدون شکنجه و زندان، تنها بر ویرانه های جمهوری اسلامی امکانپذیر است.

بقیه از صفحه ۲

و اگرهم بخواهیم، فاصله بسیار زیادی با آنجا داریم. آنچه هست تکنوازی هسته‌ای صلح آمیز است که حق ماست. وی افزود: «ما هیچ‌گاه پروتکل الحاقی را با قطعیت رد نکردیم، ولی طبق همین پروتکل باید مذاکرات و بحث‌هایی صورت گیرد. ما نیز ابهاماتی داریم و بررسی می‌کنیم... اما در مورد این که این پروتکل را بپذیریم یا نه، این تنها من نیستم که باید بپذیرم بلکه باید مجلس شورای اسلامی تصویب کند و این روند طی شود». خاتمی در پاسخ این سؤال که «آیا نپذیرفتن شروط، این خطر را ندارد که پرونده ایران به سازمان ملل برود؟» گفت: «هر خطری ممکن است وجود داشته باشد. ما باید تمام مصالح ملی را در نظر بگیریم. آنچه الان برای ما مهم است تفاهم بیشتر با آژانس است که انشاالله گزارش واقع‌بینانه‌تر و مثبت‌تری به اجلاس شورای حکام بدهد». وی، باری دیگر در ۱۵ مرداد نیز مواضع مشابهی را اعلام و تأکید کرد که ایران از تکنولوژی هسته‌ای چشم‌پوشی نخواهد نمود. اما رهبر رژیم نیز، در جمع مسئولان وزارت امور خارجه و سفیران رژیم، در ۲۷ مرداد، در این باره گفت: «دانش هسته‌ای کشور، بومی و در جهت مقاصد صلح‌آمیز است و جمهوری اسلامی ایران براساس میانی دینی و فقهی هیچ‌گاه قایل به استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی نیست». خامنه‌ای، با اشاره به مواضع آمریکا و برخی کشورهای اروپایی در مورد لزوم دست کشیدن ایران از تکنولوژی هسته‌ای، افزود: «این مواضع و درخواست‌ها، بی‌جا، ظالمانه و ناحق است و جمهوری اسلامی ایران این درخواست‌ها را نخواهد پذیرفت».

در حالی که رژیم جمهوری اسلامی برای خروج از این تنگنا، راه دیگری جز پذیرش پروتکل الحاقی به پیمان منع گسترش سلاح‌های اتمی و انجام تعهدات بین‌المللی در این زمینه را در پیش رو ندارد، موضعگیری‌های دوپهلوی مقامات آن نیز، به نوبه خود، بر دامنه فشارها و تهدیدهای خارجی افزوده است